

انلیس

اداره: کابل جاده ارگ
مؤسس و صاحب امتیاز: محی الدین

مدیر محمد امین خویانی
M. A. Khogyani

اشترک سالانه ۱۰ افغانی

محصول پوست ۲

خارجه ۲۰ شلنگ

۲۴ محرم ۱۳۵۱

MAY 29 1932

تأسیس ۱۳۰۶

۲ شنبه ۱۰ جوزا ۱۳۱۱

کار خود خبلی ضرر و خساره کشیده ،
و این گونه سوء اخلاق مثل مرض ساری
در دیگر اشخاص هم سرایت کرده و
موجب بسی اضرار ملی و مملکتی واقع
شده است ،

اگر به مصداق قول خویش به اشخاص
و رجال مملکت امریک و ژاپون جوان
نظری اندازیم ، بخطا نخواهیم رفت که
کار با صداقت ، و فعالیت ، و عزم ثابت
آنها چگونه يك مملکتی پس مانده شانرا
در يك زمان قلبی به نقطه انتهای ترقی
رسانیده ، و سعادت و نیک بختی خوبی
ناایل شان ساخته که امروز بالای
اکثریه قطعات دور و پیش و بر نفوس ترین
و قریب ترین ممالک دنیا (چین) راجولان
گاه خود قرار داده تنها به جدت و جرئت
خود متکی می باشند .

از آنجاست که دین مبین اسلام عزم
ثابت ، فعالیت ، صداقت را بر ذمه
هر مسلمان لازم گردانیده ، و بر هر مسلمانی

عزم را از خصایل حسنه شمرده
و همگذا در تمام ادیان و به نزد ملت
های دنیا اشخاص فعال و صادق و
ثابت العزم ط ف توجه عموم واقع
و به نظر احترام تلقی شده میرود ،
چنانچه در هر ملتی که يك شخص
معروف بصدق و فعالیت و ثبات عزم
گردیده ، مسلم است که آن شخص يك
آن اولتر مقام بلند و موقع ارزجندی را
احراز کرده و برای خود يك محبوبیتی
در دلها متمکن ساخته ؟

با انعکس اگر يك شخص در مملکت
و ملت خیانت نموده و تنبلی را شعار
خود ساخته و از روی صداقت ، و عزم
ثابت برای ترقی و پیشرفت بود مملکت و
ملت خود کار نه کرده ، و بهر فهای
صرفه اشخاص را طرف توجه قرار داده در
حقیقت از تنبلی و غفلت به ایفای وظیفه
پروائی و بصداقت اعتنائی ننموده ، معلوم
است که آن ملک و ملت از کردار سوء
این طرور اشخاص و تنبلی و غفلت

مملکت بحزم ثابت و فعالیت
با موری خود ترقی
مینماید

دنیای همه وقت در اثر عزم ثابت
فعالیت ، صداقت رجال و افراد خود
ترقی نموده است !

تنبلی ، غفلت ، غرور ، حرفهای
مفت و بی نتیجه امروز از مالت های
با عزم معدوم و مردمان کاذب و تنبلی
قدر و قیمت شان از صفحه ممالک دنیا
محو و نابود گردیده ، بی پروائی از خدمت
بوطن و ملت اران و قعات شاذ و فوق العاده
بشمار می رود که گویا ابراز کارهای
فوق لعاده در شرق .

محتاج به توضیح نیست سعادت و خوش
بختی يك مملکت ، و ملت ، فقط
وابسته به ثبات عزم ، فعالیت ، صداقت ،
است و پس !

دین مبین اسلام که مقدس ترین تمام
ادیان است ، صداقت ، فعالیت ، ثبات

حکمی و ضروری است که در فعالیت و عزم و استقامت و بهدق ثابت القول باشد ، خصوص (مامورین حکومت) که اهمیت و الزمت از جمله فرایض منصبی و شروط ماموریت شان ایفای وظیفه محوله ، ثبات عزم ، صداقت بحکومت و مملکت است ، چرا ؟ در حقیقت محور اساسی و چرخهای اداری حکومت و مملکت بدست مامورین است ، اگر مامورین ایفای وظیفه خویش را جدیانه سر مشق اعمال خود قرار دهند مسلم است که يك بیش آمد روشن ، يك آینده نورانی و يك رونق تر و تازه جامعه يك مملکت پس مانده را بآثر همان ثبات عزم ، صداقت ، و فعالیت رجال و طبقه شناسش مثل ملت امریک و ژاپون استقبال خواهد نمود .

هر گاه بر خلاف آن رفتار نمایند ، این نیز معلوم است که نه اعتبار ملیش و نه از مملکتش بیک پایه متین استوار خواهد ماند ، بل بازار اهمیت شان در هر جا و در شکست و کاسه خواهد گردید .

و این اضافه محتاج به تشریح نیست بلکه يك امر ظاهر و روشن ، است ، در صورتیکه مامورین بی عزمی و بی سعی و تقوی ... رابه مملکت پیشه خود سازند ، و در چیز هائیکه بمشایع حکومت و مملکت شان تمام شهود ، اگر چه کو چکترین امور باشد بی اعتنائی کرده

در اصلاح اوضاع و احوالات و تکمیل ما بمحتاج محیط نیکو شند ، البته روز بروز بطرف بد بختی رجعت کرده ، از قافله تمدن امروزه دنیا که رفتار شان مانند برق در سیران است اضافه تر عقب افتاده بنابر قانون (بقا اصلح) بلکه در بادیه عدم رهپار وادی نیستی ملت و مملکت خویش را خواهند گردانید .

چون مقدرات رفاه و آسایش جامعه در دست این طبقه است ، پس نباید که رجال و مامورین يك مملکت به ملت و حکومت خویش فعالیت و جدت را از دست داده و بعکس غفلت و تنبلی را کوارا سازند که در نتیجه خود و يك جامعه را در راه هدم سوق نمایند !!

و این هم ثابت بلکه يك امر فطری است ، هر چند که يك انسان بی حس و تدبیل باشد باز هم عقلاً و جدائاً بحکم احساس نوعی در فقدان و ذات ملت و مملکت خویش مایل نمی باشد بلکه بالعکس هر انسان يك مقام باشد و برتری را در خیمه خود میپرو راند که اگر به آن مقام ملت و مملکتش نایل و خودش بر آنها يك امتیاز داشته باشد ! در صورتیکه این فکر عالی فطرتاً در مغز و دماغ هر کس سرشته شده پس باید که حسب مقتضیات فطری و جبلی از فعالیت و ثبات عزم کار گرفته برای

خدمت مملکت و ملت ، و حکومت خود را محکم و استوار بسته در پیش امورات اداری و اوضاع مملکتی مترقیه امروزی غور و دقت نماید و بزرند که آیا اینها از کدام طریق منزل سعادت رسیده و خود را به عالم مد نیت دوش بدوش نموده اند ، البته در حد سیات خود اس اساس ترقی را بغیر از وجود جدت و فعالیت ؟ ثابت ، و وظیفه شناسی بد کرجیزی و تصور کرده نخواهند توانست

زیرا رجال و مامورین حساس ممالك بدون يك وقفه بطور و جدت ، از حقیقت ، قدر ملت ، و حکومت را در فرصت وقت را مقتنم شمرده ، و با آمل عموم خود را متفق و همراه برای مزید عظمت حکومت و بهبود چاره های خوبی می شنجند ، و از قلب برای تکامل و ترقی مملکت خدمت مینمایند ، و يك زندگانی را در آب و خاک وطن تهیه میدارند گونه زحمات طاقت فرسا و فوق العاده در جلو شان آید در ازاله و رفع آن بکار برده بهمان عزم ثابت خویش می کنند تا در نتیجه زحمات به بالا آر زوی خود که سعادت کامله و آن ملحوظ باشد برسند .

اما امروز در مملکت ما با اینگونه

اعلان پادشاهی

رعایای عزیزم اہالی قطن و بدخشان
از آنجا کہ بگمانہ منظور حضور ما
مرفہ الحالی و آرامی تمام رعایای عزیزم
باشد ہمیشہ کوشش وسیعی داریم کہ ملت
عزیزم را ہم آغوش سعادت و راحت
داشته بہر وسیلہ موجبات آسایششان را
موجود و فراہم نماییم تا اہالی مزید
برین در زیر سایہ امنیت عمومیہ آسودہ و
آرام بـودہ مدارج اعتلا و ارتقای
درخشانی را نصیب شوند .

لہذا جهت واریسی از امورات و فراہم
آوری تسہیلات لازمہ برای اہالی و تفتیش
گذارہ و احوال مامورین ملکی و عسکری
و تہیہ و سایل مزید و غوررسی اہالی آنولا
یک عہدہ از مامورین صادق و پاک نفس را

و بہبودی امور را متکفل گردیدہ بہالم
و عالمیان ثابت کنند کہ افغانستان ہم
در اثر انقلاب خانہان سوز نہ تنها تلافی
ما فات بلکہ عبرت از گذشتہ گرفتہ
ملت خود را بچنان سرعت رفتار بر
اوج سعادت رسانید کہ شایان حسن
افغانیت و اسلامیت بودہ و بحسن ایفاء
وظیفہ وجدت فوق العادہ مامورین وطن
برور ترقیہات محیر العقول را اکتساب
نمودہ . و در از منہ غیر متوقعہ دو
ردیف ملل مرقیہ عالم خود را دوش
بدوش و نمود ساختہ یقین کنید کہ مساعیات
ہمہ وقت مشہر است

(یار محمد)

غفلت انحراف از جادہ حقیقت
بودہ کہ مجاہدات مابعد آنرا محو نمود
فقط آر زوی ما از ما مو رین محترم
امروزی این است اگرچہ بحمدلہ تعالی
جز صفات عالیہ صداقت و فعالیت چیزی
را ما از مامورین موجودہ احساس نکرده
ایم ، ولی این را ہم نباید انکار کنیم ؛
احتیاج کہ این خاک دارد و ضروریاتی کہ
مقتضای این عصر علم و دورہ ایجاد
و اختراع زمانہ ترقی بشر و پیش آہنگی
ملل است ، محتاج تبلیغات شدید نباشد
و علاوہ ممکن نیست کہ یک مملکت ترقی
نماید تا دست مامورین در سائر شعب حیاتی
شریک تعاون دیگران و مجد جامعہ نباشد مامورین
نہ تنها قیام امن و تحصیل حقوق حکومت
و افراد ملت را باید نمایند ، بلکہ درازالہ
مرعائہ و اقامہ مر مومسہ و قدردانی مر
شیخص کاری و لایق عطف توجہ فرمایند
پس رجاء است کہ آقا یون مامورین
محترم ما بیش از پیش در حفظ انوار میس و شرف
ملیت و در امور ترقیات مملکت و توسع
معیشت در آب و ہوای وطن خویش
مساعی جمیلہ بکار بردہ ؛ و افکار
مقدس تاجدار غازی اعلیحضرت ہابوئی
را پیروی و تائید ، و زحمات خادمین
صادق و فعال مملکت را بنظر قدر دیدہ
تمجید مزید نمایند ؛ و اضافہ بر اضافہ جدیت ،
ایشان را ، و تبلیغ عطاوت . و راہنمائی

اعلیحضرت غازی و برادران عالبقدر
شان و عہدہ معتابہ از رجال بزرگ
این محیط را می بینیم کہ با یک جدت
فوق العادہ مصروف خدمت مملکت
و مرفہ الحالی ملت اند ، و این ملت قدر
شناس ہم خدمات برجستہ شانرا بنظر
تقدیر تمجید مینمایند ، باقی از احساسات
اشخاص فکور و مامورین شہیہ آنها کہ
میتوانند از فکر و عمل ایشان کاری برآید
توقع می نمایم .

یعنی بقدر یکہ ملک و ملت ما بد بختی
ہولناکی را طی کردہ و امروز فوق العادہ
محتاج بسرعت عملیات فوق لوظیفہ و افکار نافع
عامہ مامورین خود است بہ اندرچہ جنبش
فعالیت عالیہ مامورین و غالب اعیان ملت را مقتضی
است امروز اگر دیدہ عبرت و حسن عبرت را
منصف قرار دہیم و آن واقعات ہولناک
گذشتہ را در خاطر بیاوریم وضعیت اجازہ
نمیدہد کہ ما تنها با بقای همان وظایف عادی
اکتفا کنیم ، بلکہ لازم است ماسوای
تکالیف رسمیہ فقط بنام وطنیت از ہرگونہ
امداد عملی و فکری مضایقہ ننماییم .

شاید این معروضات را ، برخی از حضرات
تعمید حاصل یا تکرار بدیہیات
دانند ؛ لیکن مقصد ما ہم تذکار همان
تجربہ مشہودہ گذشتہ است کہ باید
بصدائی رسا عرض کنیم بر بادی ملک ذات
ملت ، پیش آمدہ ہر بد بختی نتیجہ تبلی

در قیمت انیس تخفیف دادیم

انیس مجله ایست ملی و همه وقت برای خدمات اجتماعی کوشش میکنند که راه آسان و ساده تری اتخاذ کنند تا عموم هموطنان عزیز بهر استفاده کنند.

و چنانچه ما همیشه کوشش داریم که مندرجات این جریده مطابق ذوق عمومی هموطنان عزیز ما باشد و البته کسانی که این جریده را مطالعه میکنند خوب تر حس فرموده باشند که درین دو سه نادر شاهی بفضل خداوند همه جرائد وطن عزیز ما رو باعتلاء است.

لذا ما هم میبایسیم که مشترکین جریده ما رو بترقی گذاشته در هر پوسته عده از رسوبات خزانه از طرف مشترکین می رسند.

چون مقصود غائی اداره نه تنها جلب منافع مادی است بل تنویر افکار ملت عزیز را اولین فرضه خود میداند و هم میل اهالی و قارئین گرام را دیده در قیمت اخبار خود یک اندازه که اداره تحمل آن را کرده توانست تخفیف دادیم تا آقایان که از جهت ناداری نمیتوانند اشتراك نمایند اشتراك کرده بقوا نند.

لذا ما در داخله وطن عزیز قرار ذیل قیمت اشتراك را مقرر نمودیم:

سابق	حال
۱۲ کز افغانی	۱۰ افغانی
ولایات ۱۴	۱۲
طلبة معارف ۷	۵

در خارج قرار سه سابق حق اشتراك گرفته خواهد شد.

(اداره)

که عبارت از وکلای شو و رای ملی و اعضای مجلس اعیان و نماینده های وزارتات می باشند بریاست ع، ج محمد ابو بخان وزیر مالیه که شخص صادق و با کفایت است بحیث ریاست تفتیشیه فوق العاده ولایت قطن و بدخشان با اختیارات و هدایات مکفیه عزام فرمودیم تا هیئت مذکور در تمام حکومتی ها و مراکز خان آباد و بدخشان گذاره ما مورن ملکی و عسکری را در حوضه ما موریت شان با النسبه رعایای عزیزم و اجرا آن کارهای شانرا از حیث وظائف غور و خصوص کرده و ارسای نمایند، انشاء الله تعالی در اثر این تفتیش نتائج خوبتری بوجود آمده شما رعایای عزیزم موافق نصب الیبنی که داریم همواره قرین آرایش بوده بدون هیچ گونه مشکلات در زیر سایه توجه حکومت تان آرام و مطمئن زیست خواهید کرد. در خاتمه ار در گناه خداوند کریم برای تمام ما مورن حکومت صداقت و راست کاری و برای هر فرد ملت عزیزم سعادت و آرامی را طالبیم.

(تاریخ ۸ بیج جوزا ۱۳۱۱)

(۲۲ محر الحرام ۱۳۵۱)

مقاله وارده

اهمیت قشونی در عناصر

تمدن

شالوده تمدن هر ملت در زمینه عناصر
چندی متبیینست که هر يك از آن عناصر
مبدأ تمدن محسوب و هر نوع ترقیات از
همان مبدأ خود ناشی گردیده در اثر
قرون متبادله بشرطیکه از آنها جهات
حوادث داخلی و خارجی مضمون بماند
متناوب با یکی بعد دیگری مرا حل تکاملی
خود را می پیماید، مثلاً صنعت، تربیت
زراعت، تجارت، ادبیات، علوم فنون
و هکذا دیگر قواعد و قوانین اجتماعیه
که جریانات محیطی بر روی آن میگذرد
هر کدامی بمراتب متفاوت در اصول
و نوامیس تمدن ملل مقامی را محرز
و موقعیتی را حایز است، و هنگامیکه
این عناصر تمدن در يك ملت توانست
مرا حل تکاملی را به پیماید آن ملت را
ملت متمدن توان گفت،

اما قشون تربیت شده و منظمیکه به
جمع فضایل و مزایای عسکری متعارف
بوده روح عسکریت با معانی حقبتی از
حیث ایفاء وظایف برای خدمت جامعه
و وطن در عروجش دمیده شده باشد
اولین عنصر تمدن و وسیله استحصال
مجد و شرافت ملل شناخته شده که در
صورت عدم وجود يك همچو قشونی
سایر عناصر تمدن زیب و روانی به خود
نمی تواند گرفت، بعبارت دیگر قشون

منظم برای پیشرفت تمدن يك ملت ممد
اسظم و کافیه عناصر تمدن را حامی عمده
و ناصر زبده میباشد، چه هر يك عناصریکه
از مبادی متذکره می آغازد، در آغوش
امنیت محیطی با سیر کند و بطاقت که قرون
متوالیه را بهم تسلسل میدهد؛ مدارج
تکامل را نایل می شود، و تمهید
بسط امنیت در ساحه يك مملکت
منوط بدرجه اهمیت قشونی آن
مملکت است، یعنی در مملکتی که
همچو يك نظام منظمی موجود است امنیت
نامه در آن مستقر و جامعه آن در آغوش
مأمونیت به تکمیل هر يك عناصر تمدن
و اعتلاء می بردارد؛ کذا در مملکتی
که قشون منظم نیست امنیت از ساختش
مرتفع بوده شیرازه اجتماعی منقطع؛ و
وحدت ملی از هم پاشیده، شخص
مقتدر دست تطاول و تمدی بر اشخاص
ضعیف دراز کرده ضعفاء از خوف دستبرد
و مظالم متجاوزین بی صروت نمیتوانند
مأمون بوده؛ زارع بزراعت؛ اهل کسب
و صنعت بصنایع و مکاسب، کسانی که
ذوق علم و فن در سر دارند به تکمیل
علوم و فنون؛ و هذا لقیاس هر کدام به
پیشه که حسب سابقه خود اختیار می نمایند
پرداخته باشد تا عناصر تمدن سیر طبیعی
را ادامه داده مدارج تکاملی خود را
حائز گردد؛ پس در صورتیکه تکمیل
مدنیت يك ملت در آغوش امنیت تجسم
نمود، و جز بر سیاق امنیت ممکن نیست
این قافله سعادت خود را نوع بشر، راه

تکامل اندازد، این هم مبرهن که
حصول امنیت برای يك ملتی، ایم الا مکان
است مگر بمیدان و برکت قوه قشونی.
زیرا قشون است که اغوائی محنه
مملکت را مرتفع میتواند ساخت،
قشون است که حقوق فردی و اجتماعی
ملت را متکفل صیانت بوده حقوق افراد
ملت در مقابل تجاوز زان متمر دین
داخلی در داخل محفوظ و برای حراست
حقوق و شؤونات اجتماعی ملی خود در
مقابل معاندین خارجی که خیال تجاوز
برای غصب و بلع و پامال نمودن شان
و شرف ملی اش در دماغ می پروراند
جهت فشردن گلو و پاشاندن مغز آن در
میدان شجاعت تا ریختن آخرین قطره
خون خود قیام نموده شرافت ملی خود
را محافظه می کند.

قشون است که سطوت و قدرت يك
ملت را به نزد اجانب انبات می نماید.
قشون است که قوانین موضوعه يك
حکومت که بنابر رفاقت و آسایش جامعه
وضع میشود بوسیله آن اجرا و معمول
می گردد، قشون است که اوامر دینی و مذهبی
که برای ارتباط افراد ملت برشته وحدت
و یکتگی می او این عامل عمده است اجرا
می پذیرد؛ قشون است که شرافت سطوت
حیثیت و قواد و اعتبار ملل را در قبال تمهاجات
حوادث غیر مترقبه تأمین می کند، الحاصل
دوام و بقای يك ملت و حیات با شرف آن
در محنه کیتی فقط و فقط به نوك سر نیزه
جگر دوز و دم شمشیر خون ریز عسکر و قشونس

بسته است ملتیکه قشون منظم دارد در سجنه زندگانی کوس سیادت و فخر می گوید و عکس آن ملتیکه از مجموع يك نظام منظمی ماریت از ترقی و تمدن هم عاری بوده هر ساعت حیانتش به قذا و موجودیتش به انعدام قرین و شبها زه شرافت و شئون ملتیش به کسبختن و انقطاع تهید می شود ؟ ؟ يك نظر به ورق تواریخ ملل و تطور امم موضوع مقال ما را تأیید و اثبات می کند ، که هر ملتی بروی کتبی که فتوحات شأن داری کرده دول عظیمه را تشکیل نموده مثل طوایف عرب ، در بدو طلوع دین اسلام واقوام مغلیه ، صرف به نیروی قشون بوده است ، زیرا قبل از نبوغ اسلام در عرب تمدن وجود نداشت ، همچنان در مغل از ابتدای خروجش الی هبوط ستاره مجد و اقتدار آن تمدنی از حیث علم و فن صنایع و ادبیات و غیره در کار نبوده ازین جا معلوم می شود که قشون در هر وقتی وسیله استحصالی حیات باشرفانه ملل بوده و جمیع عناصر تمدن در ظل حمایت آن مراحل تکامل را طی مینماید ؛ به نحویکه اگر يك ملت استعداد قشونی را فاقد باشد تمدن خود را هم نمیتواند ازتها جمات و تصامات حوادث داخلی یا خارجی صیانت کرده رنگ و رونقی بدهد ؛ گرفتیم که تمدن را تا درجه فی رسانید باز هم چون اقدتدار محافظت آنرا ندارد انتزاعش خیلی ازودی محتمل و مظلون است ؟

چنانیکه یونان قدیم تمدن کامله را مالک

بوده چه حکما و فلاسفه از محیط خود بظهور آورد که در يك حصه کافی را در صحایف تاریخ با خطوط برجسته به خود اختصاص داده است ؛ ولی چون از وجود قشون منظم و تربیت شده که بتواند صیانت آن تمدن را کرده بقاء نماید عاری بود طوری بسیر تقهقر برگشت که امر و زه در خلال ملل متعدد نه نامی از آن برده نمیشود ؛ همچنین روم قدیم ما را میکه انتظام قوه قشونی اش به اختلال برنخورده بود مالک بود همان شوکت و حشمتی را که قسمت قابلی از اوراق تواریخ را محلو ساخته است ؛ اگر از ملل قدیمه که مستند بتواریخ میشود بهمین مختصر نگارش صرف نظر نموده عطف توجه به حوادث سه سال قبل محیط خویش که میرفت جامعه و جمیع شئون ملی ما را از ساحت وجود برداشته به حضیض خمول بر تاب کند بنمائیم این مبحث بحال خود ما منطبق شده دیگر شبهه نمیداند ؛ این است که میگوئیم اگر از عدم تدبیر آن قشون افغانستان که تربیه و انتظامش « چنانچه در کتاب نادر افغان مندرج است » بچه خون جگری ها و زحمات فوق الطاقه سالیان دراز رجال مدبر مملکت صورت بسته بود برهم نمی خورد ؛ چرا بآن بلای مبرم و مصائب جسم و روح ما را تحت فشار گرفته میختنق ساخته بود اسیر و گرفتار میشدیم ؟ اگر آن عسکر منظم در انوفت وجود میداشت آیامی نوانست یکمده مجد و دی از دزدان کوه

گریز علم نمرود بر افراشته زمام سلطنت متمدن را منقطع و صحبه مملکت را جولانگاه وحشت قرار داده دوره سفاکی جنگیزی را تجدید و تقریباً ربع ملت را کرب داب خون قتل و شهادت غرق و معدوم ، ما بقی را بخاک مذل نشانده دین مقدس اسلام را که ازان امان و حشت اشتغال و کردار نابکار هزار میل گریزان است دام تزویر و باربچه و میل واهواء شیطانی خود یسارند ؟ هر احتمال هم نمیرود ولی بنائیم و سجده نماییم لطف احسان خدای متعال و لایزال را که اراده اش بقاء و خمول ملت بیضاء اسلامی در لوح مشیت ق منظور نه کشیده در عین اینکه توده در امواج متلاطم عدم شناوری و یازده کاهی دست دعا بسوی آسمان بالا کرد دفع انمظالم با يك جهان عجز و انک طلب و زمانی هم در حالت که به اجبار و همرفت با احساسات متردد گوشه و کنار را تجسس نموده نجات دهنده می جوید و حتی از دیدن همچو يك فردی که بتواند حافظ کون مکان و خالق جن و انام احکام چون فرشته رحمت بدست داشته نجات چشم امیدش نابین شده بقاء خود را تقدیر داده بود اعلی حضرت محمد قادر را بسر و قتش رسانید که این راد مرد به نیروی کیاست و قوه تدبیر و سیاست خلاق کریم در وجود شر بفس فرموده است و اعانت ربانی ملت را و رطه هلاک و برتگاه مهیب نجات و

باز جرمی

تحریر سینور گوگ میل موفریو

- ۳ -

درین جا، در جینوا، من از یک نفر جرمنی دارای وضعیت سیاسی و فکری خیلی بلند شنیدم که به یک متصدی بانک می‌گفت:

«در جرمنی یک صد هزار فامیل وجود ندارد که مالک اعصار و املاک باشند، و تمام فامیل‌ها که در آن من نیز شاملم عبارت از پرو لئارهای باشیسم که هر روز رزق خود را از کار دستی و یا دماغی حاصل می‌نمایم.»

و یک جرمنی دیگر که من او در باره قوای محافظه کاری دنیای کنونی گفتگویی نمودم شانهای خود را بالا کرده به من جواب داد که: «ما که در جرمنی هیچ نداریم که آنرا محافظه کنیم. بجز قروض خود این یک وضعیت فاجعه ناکی که نظیران در تاریخ دیده نشده است ولی یک جنبه تحفظی نیز دارد که یگانگی راه نجات آنرا تشکیل می‌دهد یعنی کار و وقت و در اقران اعتبار و امن جنگ و انقلاب شاید عبارت از اخذ انتقام خونخوارانه جرمنی از دنیا باشد ولی به خود او نیز خیلی گران تمام خواهد شد چه یک قسمت نفوس او را کرسنه کی در معرض مرگ خواهد گذاشت:

زمانی که دران محاربات مفید ثابت شده

که تکامل و تقهقر یک ملت بسته بدرجه اعتبار قشونی اوست رسیده انتظام داده است، و به تربیت و پرورش آن از هر جهتی چون پدر خیلی مشفق و مهربان او امر لازمه اصدار و حتی بشخصه نیز توجه میفرمایند: و این عسکر شجاعت پیکر که در میدان مبارزه برای خدمت وطن و جامعه خود در استیصال ریشه فساد و استقرار امنیت تا مه در سرتا سر محبط مظهر خدمات لایق تقدیر و داد شجاعت داده است که به نسبت عدم تربیه صحیح نظام نامنظم محدود در گذشته قریب بدامان عسکریت این ملت نشسته بود، بآب همت و شجاعت شسته است؛ ما را به مستقبل مشعش و درخشانی نوید داده امیدوار میسازد که، در آتیه پس قریبی بزیر لواء فتح و بر چم نصرت مظهر این عسکر غیور و در ظل عاطفت و عدالت مربی آن «یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی» در آغوش امنیت و آرامش، و مهد رفاهیت و آسایش می‌توانیم سایر عناصر تمدن خود را نیز چون دول مقدمه کنونی راه تکامل انداخته به اوج اعتلاء رسانیم و حیات با شرفی را که مطلوب و مأمول ملت حساس افغان است نائل گردیم؛ لذا ختم مقال خود را باین کلام می‌نمایم که: زنده باد اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه: قوی و پابنده باد قشون فاتح منظم ما.

(سید احمد شاه بعد لیه)

امن و سلامت کشانیده رشته از هم گسیخته شرافت و آبرو مندی ملت افغان را بهم اتصال و محکم نموده بر افراد دانشمند وطن ایجاب کرد تا در زمره وظایف وجدانی و فرائض ایمانی خود خدمات قابل ستایش و جهان قیمتش را در اوراق دفتر یادگار برای آتیه و توبه فرزندانی آتیه و وطن از تقدیر بآب زر و خطوط برجسته ثبت نموده از اجرای این وظیفه وجدانی خود را مباحی و مفتخر بدانند حالا که با کمال یقین دانسته شد حیات و ملمات یک ملت و درجه ارتقاء و انحطاط تمدن آن مربوط بدرجه اهمیت و قوای قشون وی است، و از ملتی که فاقد یک همچو قوا و متشابه به جسم بیرونی است نمیتوان امید حیات داشت باز حمد پی قیاس و سپاس عبودیت اساس نثار میداریم مر خالق جن و ناس را از کمال رأفت زما مداری بها ارزانی و عنایت فرموده است که نه تنها کشتی سکان شکسته وطن و ملت را از گرداب فنا، بسا حل نجات کشیده کلیم مانم را از ساحه مملکت و وطن محبوب جمع، و بساط سرور و نشاط تمهید و ملت را در آغوش امنیت و آسایش شانده ازین جهت ذات والای خود را محبوب و خاطر ها را مفتون و مجذوب گردانید، بلکه تمام وسایل اعتلا و لوازم تمدن و ارتقاء ما را فراهم و بر اساس متین طرح نموده است، از این جمله قشون منظم و با تربیتی است که حسب مقتضای روح سلحشوری و جذبات نیک و مقدس خودش به عالم عسکری که فکر نا قب و رأی صائیش بکنه این نظریه

خساره انقلاب از تهاجم بر مالك همسايه جبيره
می شد گذشته است انقلاب فرانسه در
آخر قرن ۱۸ هم هنوز از فوايد مختصی
به آن از منته استفاده نموده زیرا در وقت
انقلاب مذکور محاربه با يك تعداد قليل
هكر و سلاح و مصارف صرفه جويانه اجری
می شد و در عين زمان غارت های زياد
بدست می آمد اگر جرمی باز سلاح را
بدست بگيرد حتی در صورتيكه جنگ بظرف
اوفيه شود هم شايد مردمی را که در اطراف
او موجود هنوز را حتی دا رند تباه کند
ولی غارت خود او زياد خواهد شد و
انقلاب حتی يك انقلاب اساسی و خبی
قابل تمجيد هم نمیتواند معجزه را که
يك قسمت جرمی منتظر است نشان بدهد .
اكثر جرمی ها می گویند بایست
يك اصول جدیدی طرح شود ، زیرا
وضعیت موجوده خیلی خراب است . اگر
محض ایجاد يك نظام جدید سیاسی کفایت
می نمود تاریخ دنیا خیلی ساده تر و
حیات انسانها اسانتر می شد . سرمایه
چیز دیگری نیست بجز از ثروتی که
در ماضی جمع شده است و در حال مارا
مقتدر می سازد امرار حیات نموده برای
آینده خود تهیه به بینیم . برای
مردمی که به نسبت احتیاجات خود سرمایه
کافی ندارند دو علاج موجود است :
اولاً تولید ثروت - و یا مجبور ساختن
ثروت مندان بدادن قرض .
اصلاح مومسات اجتماعی نیز نه
می تواند از هیچ ثروت خالق نماید
تابه چنگ چه رسد .

علاوتاً انقلاب روسیه این مطلب را
بصورت قطعی ثابت نمود . مجادله نمودن
برضد قلت سرمایه بوسیله اعلانات وقوانین
و اصلاحات اجتماعی عبارت از کوشش
مایوسانه است . اعلانات وقوانین و اصلاحات
اجتماعی بگي بعد از دیگر آمده می رود ، ولی
سرمایه زياد نمیشود . فراهم آوردن
ثروت خصوصي غیر ممکن است .
ثروت فراهم آمده عمومی وجود ندارد
قرض هم خیلی محدود است . و این چیز است
که علت دوچار شدن لایدي پلان پنج ساله
را به سکنه می گیرد .
اختلافات سیاسی که حتی بدون منجر
شدن به حرب ، اعتبار جرمی را در نظر
امريك وارو پا زایل میسازد ، جرمی را
بچنان وضعیتی گرفتار خواهد ساخت که
روسیه به آن گرفتار است ، یعنی برای سالها
یافتن قرض را برای او غیر ممکن خواهد
ساخت .
کداه گيري که در ضمن خود مجادله را
با مغرب نیز داشته باشد ، شاید بکنوع مقابله
بالمثل جرمی باشد در مقابل اروپا ولی برای خود
او به مشابه انحصار ثابت خواهد شد .
ما نباید این وضعیت را از نظر
خود دور داشته باشیم ، زیرا ما باید جهت
وقایع جرمی و حفاظه اروپا از مخاطراتی که هر دو را
تهدید مینماید به خود جرمی رجوع کنیم .
ظاهراً است که بحران جرمی خیلی مشکل
تر از آنست که در شش ماه و یا یکسال ختم
شود . اساس های ابتدائی آن از خیلی قدیم

است و اصلاح مومثرانه آن وقت میخواهد .
و گذشته از دلائل دیگر ، از روی همین
دلیل باید سعی کنیم که وقت حاصل نایبم .
هر ماهی که بدون حدوث يك فاجعه میگذرد
عیناً مانند يك افاده ایست که در راه نجات
نموده شود . (۱)

خواهیم شنید که در ماه و سالهای آینده
به نسبت جرمی از بین عقاید ملت (نیشنلزم)
اتحاد جرمی (بان جرمیزم) اشتراکیت
(سوسیالیزم) و کمونیزم ، بحث زیادی
خواهند نمود . اروپا هنوز کمان میکند در
روزهای پر از مسرت قبل از ۱۹۱۴ است که
در آن وقت چنان به نظر می آمد که آتیه
دنیا بر مجادلات ذاتی بیني عقاید مختلفه
مبنی است .

امروز جرمی مانند روسیه ، و مانند ثلث
اروپا مسئله وجود مادی را در مقابل خود
میبیند . مثلاً حالا مسئله انتخاب در بین
ملیت و اشتراکیت فی بلکه مسئله حیات و
زنده گي روی کار است . يك مسئله تکرار
نفوس روی دست است که این مسائل ثاماً
تابع آن میباشند .

اروپا در بین ۱۸۸۰ و ۱۹۱۴ يك نظام
بزرگ عملیات و مشاغل را تولید نمود که
او را مقتدر ساخت يك نفوس خیلی زیاد را
تغذیه نماید . ولی بعد از آن در اثنای

(۱) این عبارت از عقاید احزاب سیاسی
جرمی میباشد .

فنون اختراع

ساعتیکه حرف میزند

رصد خانه پاریس مجبور به ایجاد يك ساعت حرف زن گردیده است. چون كه هر شخص فرانسه میخواهد تمام وقت را بداند بوسیله تلفون از رصد خانه میپرسد این سوله آنقدر زیاد شده است كه رئیس رصد خانه برای جواب دادن آنها مجبور به استخدام چند نفر مأمور علیحدہ شده است. نهایت بعد از تفكرات زیاد برای راهی جواب دادن سوال كنندگان، يك ساعت ایجاد کرده است.

این ساعت بوسیله الكتريك كار میکند به همان قسم ساعت كه حرف میزند، بطرز فلم های ناطق يك پارچه فلم علاوه کرده شده است این فلم يك صورتی وضع شده است كه بعد از هر ۵ ثانیه حرف میزند ثانیه ها را به كلمه پی ایپ پیپ می شمارد. بنا علیه وقتیكه شباهه رصد خانه تلفون کرده

حرب آن نظام را برهم زد و حالا وسیله اعاشه يك قسمت نفوس خود را ندارد. اینست ترددي كه ما به آن گرفتار میباشیم. اینست حال ما و این هم كار ما.

تمام تحریكات سیاسی كه روی كار آورده میشود، به مناسبت خدمتی كه جهت حل این مسئله از ایشان صادر شود، یا محض جنون و بایك ابهام ثابت خواهند شد.

(انتهی)

(ترجمه از لندن نیوز)

از هر طرف :

يك دختر انگلیس

۴۵ روز گرسنه زندگانی نمود

لندن - در یکی از شهر های خورد انگلستان، یکی از اشراف قصبه لیستر شائز او اعلام نمود هر دختر جوانیكه ۴۵ روز گرسنه کی بگذرد ۲۰۰ پوند اشتر لنگ انعام به او داده خواهد شد يك دختر جوان همان شهر این تكلیف را قبول کرده شروع به گرسنه کی نمود دختر جوان مذکور ۴۳ روز را به لیمنوات و سكرت گذشتانده، روز چهل و سوم مرگش بنسای قریب شدن را گذاشت. دو ككتور ریاست بده به وقتیكه وضعیت را مهلك دید، میخواست به این گرسنه کی خاتمه بدهد، لاكن دختر جوان از دو ككتور التماس نمود و گفت: رجا میكنم، دو ككتور؛ دو روز دیگر نیز مرا مساعد بدهید، پول خیلی احتیاج دارم. چونكه میخواهم والدۀ خود را كه در تهلكه مرگش است عملیات كنم.

دو ككتور به خواهش دختر جوان اهمیت نداده به پولس مراجعت نموده لاكن به مداخله پولیس لزوم نمائند، زیرا

وقت را به پرسید، خود ساعت بشما جواب میدهد: از ده، پانزده گذشته است. پی ایپ - پی ایپ - پی ایپ ها

علامت ثانیه است. (صون بسته)

کسی که این شرط را بسته بود قبل از ختم مدت ۲۰۰ پوند اشتر لنگ را بدختر جوان تادیه نمود.

متعاقب این حادثه دو ككتور های كه دختر جوان را معاینه نمودند گفتند كه دختر جوان قابلیت ۷ روز گرسنه کی دیگر را نیز دارد.

بودجه بحریه امریکا

واشننگتون - (آناطولی ژانس) مجلس مبعوثان ۳۲۶،۳۴۰،۰۰۰ دو دلار بودجه بحریه را قبول و تصویب نمود.

در دیار زنهای ریش دار

در يك حصه فرانسه جمیع زنهای صاحب ریش اند

پاریس - در جوانی لوتیگا ارون فرانسه جمیع زنهای صاحب ریش و بروت هستند. این زنهای بعد آرین كه بسن ۴۰ ساله کی میرسند به مثل مرد ها ریش می كشند.

سبب این حادثه باوجود همه تدقیقات

فهمیده نشد. تا احوال معلوم نشده است

كه آیا تاثیر هوا، یا آب آن حوالیست

كه در زنهای ریش و بروت وجود می آورد؟

علماء و پروفیسور های معروف این حادثه

را تدقیق نموده اند، لاكن برای این

هیچ يك چاره نیافته اند. درین شهر

هر طرف بازوهای ریش و بروت دار مقابل

میشوید، نهایت وقتیكه بایك زن بی ریش

و بروت مصارف شوید خیلی حیرت خواهید

کرد. زنهای نیز، نزد مرد ها هر روزه

بدكان دلاک رفقه ریش و بروت خود را

میتراشند.

مجهولات دنیا

در سواحل او قیانوس کبیر بعضی
هیاکل بسیار بلند که از سنگ ساخته
شده است موجود است. اینها را کی
ساخته؟ تعمیر کننده های اینها از کجا
آمده؟ بکجای رفته؟ هیچ کس نمیداند.
در ایران خلق برای یافتن آب بکوه ها
بالا میشوند

طهران - در جنوب ایران امیدهای
که به باران اول بهار بسته بود، بیهوده
رفت. از خشکی جمیع مزارع خشک
شد.

آب های اکثر چشمه ها خشک شده
است. خلق برای گذشتاندن تابستان
و یافتن آب بکوه های اصفهان بالا
شده اند. برای بار کردن چاه ها مهندسی
زیاد از طهران فرستاده شده است اگر
این چاه ها نیز به موفقیت نتیجه ندهند
خلق از بی آبی از جنوبی ایران هجرت
خواهند کرد.

یلانی که یک میلیون لیرا قیمت دارد
این بلان از پوست یک مرغی که الان در
دنیا وجود ندارد ساخته شده است.

آخرین انسان یک عرق

در جزایر جنوب مسوب به عرق پوئی -
او توی فقط یک آدم مانده است. بعد
از مرگ او، عرق مذکور منطفی خواهد
شد. (صون پسته)

خبر های داخلی

سوادتال-گرام جناب والا حضرت
صدر اعظم صاحب وزارت خارجه ژاپون
از خبر تأسف آور قتل جلالت مآب
صدر اعظم دولت علیه ژاپون متاثر و متالم
گردیده مراتب تعزیت و همدردی حکومت
افغانستان را بحکومت ژاپون و باز
ماندگان ایشان اظهار مینمایم.
قدر دانی از شهدا

البته قارئین محترم در جرائد وطنی از
آن قدر دانی حکومت متبوع ما که در باره
عالم عسکری و خدام صادق این آب و خاک
اسلامی مرعی میدارند مطلعند و هم
خوانده اند که در موقع شهادت ع، ع، ش
عبد الوکیل خان نائب سالار چه گونه
مراسم تجهیز و تدفین و عزاداری اوشان
را انجام داده علاوه بالنسبه اداره حیات
باز ماندگان آن شهید راه وطن الطاف
و مراحم مخصوصه شان را مرعی فرموده
برای آنها مبالغی را که برای سائر باز
ماندگان شهدای عسکری اعطای شود
مقرر فرموده اند.

کنون مطلع شده ایم که در اثر خبر گیری
های پدر معنوی ما اعلیحضرت محمد نادر شاه
غازی که دایماً از رعایا و مخصوصاً از
باز ماندگان همه چه شهدای نامور عالم
عسکری میگیرند، باین نکته متحسّس شده
اند که باز ماندگان ذکور و اناث نائب
سالار مرحوم زیاد و این مبلغ مقرر نمکن
است که در اداره معیشت آنها متکفی
نباشد، لذا وجوه دیگری را نیز بر آن

افزوده امر دادند تا برای آنها از طرف
حکومت الی زمانیکه اصول موضوعه
حکومت آن را برای ورثه شهدای راه
سعادت وطن تعیین کرده، اعطا
و کرامت شود.

ما در برابر این عسکر نوازی و خادم
پروری اعلیحضرت غازی اظهار مسرت
نهایتی خود را کرده نه تنها ورثه آن شهید
بلکه عموم خدام وطن را باین قدر دانی
حکومت متبوع شان تبریک میگوئیم.

مذاکرات پستی

مدیریت مستقلة پسته در نظر داشت که
باب مذاکره را، را جمع به داد و ستد پسته
و تلگراف با هند و برطانیا باز داشته
قرار دادی عقد نمایند.

چنانچه برای همین نظر به دو نفر نمایند
از جانب دولت برطانیا «مستر بروکن» و
«رای بهادر مگر جی» وارد مرکز شده
اند مدیریت مذکور هم داخل مذاکره
و مفاهمه شده اند که تفصیلات آنرا
البته در آتی خواهم نگاشت.

مقرری

(معین دوم وزارت حربیه)

قراری که اطلاع حاصل کرده ایم و
عبد لغی خان سابق وکیل نائب الحکومه قدس
بررتبه فرقه مشری اول بمعین دوم وزارت حربیه
حربیه عوض عیش علی شاه خان حال قوتند
مکتب حربیه عزتقرر حاصل کرده اند.
انیس: عهده جناب آقای موصوف
تبریک گفته از خدای متعال موفقیت
شان را خواهان است.

خبرهای خارجی

تاس :

بحران کابینه در جاپان

توکیو ۲۳ می همه مطبوعات بوضعیت مشکل سیاسی مربوط به طول کشیدن تشکیل حکومت اشاره می نمایند . در نتیجه بحران حکومت در بورصه ها کارها معطل و صنعت کاران محصولات را اختصار نموده اند . و بعضی از مؤسسات معطل شده اند .

توکیو ۲۳ می : - تشکیل کابینه جدید به سائیتو (والی سابق کوریا) عضو محکمه عالی محول گردیده است .

چین

نانکین - جریده « تساکو پنا او » در سرمقاله خود اشاره می نماید که در مسئله راجع به تجدید مناسبات با سس سس ر حکومت نانکین چنان وضعیتی به خود گرفته است ، مثلاً که با این شناختن مرحمت بزرگی نسبت به

عزیمت

عج آقای محمد ایوب خان وزیر مالیه که از حضور بریاست تفهیمیه قطغن و بدخشان مقرر شده اند الیوم عازم صوب و لایت مذکور گردیدند .

سس سس و می نماید .

جریده مذکور چنین يك وضعیتی را صحیح نمیداند ، به تجدید مناسبات توصیه نموده اشاره می نماید ، که حکومت چین درین پنج سال اخیر داخل هیچ يك سیاست خارجی نشد . است و وقت خود را بیهوده بعبارت پر دازی بسیار بلند صرف کرده است ، و هر روز زیاده تر در دایره تنهایی عاملیت سیاسی خود محدود می ماند .

جرمنی

برلین - همه مطبوعات با يك وضعیت هیجان آمیزی استر داد پیشنهاد جرمنی را راجع به شناختن طیاره های جنگی و اسلحه تسعرضی از طرف کمیسون کنفرانس خلع سلاح اشاعه و اشاره می نمایند : که کنفرانس درین مسئله تنها خلع اسلحه جرمنی را فیصله نمود جریده مذکور می گوید که مطالبه اول حقوق مساوی برای جرمنی از طرف فرانسه ها و بلجیجکی ها واضحاً رد کرده شد .

برلین - پسر شاه حجاز فیصل ؛ بعد از ختم ملاقات جرمنی بطرف سس سس ر حرکت خواهد نمود و ازان جا از راه تورک بوطن خود عودت می نماید .

یونان

آتنه - جمع ما مورین پسته ، تلگراف و تلفون تمام یونانستان اعتصاب عمومی

نموده اند ، تعطیل مذکور بقسم پروتست بر خلاف تقلیل معاش ما مورین و مستخدمین و بلند شدن قیمت خوراکی واقع گردیده است . حکومت قانون تجویز است نظامی را راجع به اعتصابیون وضع نمود .

متحدہ امریکای شمالی

واشنگتون - رئیس شعبه اجرا ثبیه وزارت بحری بعد از مشوره با ستمسون اظهار نموده که دسته چهارات اتلانیک الی اول ماه اکتوبر در ابهای بحر الکاهل خواهند ماند .

ایتالیا

روم - مطبوعات ایتالیا راجع به رسیدن عصمت یاشاه و توفیق رشدی بیگ بانامه نگاران و یک مسئله مبعوثین پارلمان بتاريخ ۲۷ می اطلاع داده اشاره می کنند ، مقصد از این مسافرت تحکیم مناسبات دوستی بین ایتالیا و ترکیه است .

سس سس ر

مسکو - کور سیوس وزیر امور خارجه سابق جرمنی ، حال رئیس جمعیت (تحصیل اروپائی شرقی) وارد مسکو گردید . و در استانبول از طرف کرستینسکی و سفیر جرمنی و دیگر ها استقبال شد . کور سیوس با اکثریه ادارات علمی و غیر علمی آشنا شد .

مسکو - در سال حاضر به مکاتب مختلفه

و ادا رات تر بیوی س س س ر
..... ۸۰۰ نفر شاگرد و از آن جمله
..... ۴ اطفال خود تعلیم میگیرند.

پولیند

وارشاور - در وارشاور سفیر تورکیه
جواد بیگ بمرض فابیج فالج وضف
قلب وفات نمود.

عبد الغفار خان سرحدی

عبد الغفار خان سرحدی را که از چندی
حکومت هند محبوس کرده ، و تا کنون
مفقود الاثر بود ، حالا از ذریع موقوف
معلوم شده که خان مذکور در هزاری
باغ سنترل جیل محبوس است .

یک هفته پنجره روز خواهد شد

مستر هورر رئیس جمهور امریکه
برای سهولت بعض اصلاحات اقتصادی
مجازی کرده است که یک هفته بجای
هفت روز مجوز کرده شود .

شهزاده یمن غریق بحر گشت

شهزاده سیف الاسلام (محمد) پسر
امام یحیی والی یمن بهمرای چند نفر
دیگر در بحر سمندر شناوری میکرد ، از
باعث وقوع ناگهانی يك طوفان شدید
بمعهم يك نفر رفیق دیگر خود غریق بحر
گردید شهزاده مذکور بسیار يك شخص
لابق رشاجع و اسلام دوست بود . انا لله
و انا الیه راجعون ، (مدینه)

تلفات هندو و مسلمان در بمبئی

۲۰ می : قرار اطلاع بمبئی که در
هفته گذشته یک هزار و پنجاه نفر مجروح
و یکصد و پنجاه نفر مقتول شده اند
و تلفات هنوز روبه ترقی است .

(سیاست)

گرفتاری یکنفر انقلابی سرحد

سمندر خان که یکی از قائدهای
سر خپوشان سرحد بود و از مدت دراز
خفینا تبحر یکات انقلاب می نمود و چنانچه
در بعضی امور هم کامیاب شده و لقب
سالار فاتح را هم از جماعت خود
حاصل کرده بود گرفتار شد .

(پیغام سرحد)

یوگوسلاویا و شهزاده انگلیس

قرار اطلاع لندن که يك وفد از تمام
اقلیات یوگوسلاویا تحت ریاست بر پتهک
و که سابق وزیر بود ، به لندن رسیده
و پانس آر تهر کلمات را برای تحت
شاهی یوگوسلاویا دعوت کرده اند
و هم سبب نارضایتی خود را از شاه
موجوده در حدت اجراء امور حربی
اظهار می نمایند . (مدینه)

یونان

مسکو ، ۲۵ می :

آئنه - با اعتصابیون مستخدمین پوسته

تلگراف و تلیفون - مستخدمین تفتیش
حکومتی ، مفتشین مالی و مامورین گمرکی
نیز مایحق کر دیداند .

فرانسه

مسکو ، ۲۵ می :

پاریس - قرار اطلاع اجنت ها واس
کور کولیف در نزد مفتش ، اطلاعاتی
را که در باره او راجع به رفتن در پولند
و چیخا سلاوا کث بود ؛ اقرار نمود
لاکن جدا از بند که . گویا او در پاری
بالشو بیکی عضویت دارد . انکار قطعی
نموده . کور کولیف علاوه نمود : که
او فقط در پاری سوسیال دیمو کرانی
چیخا سلاوا کث عضویت داشت .

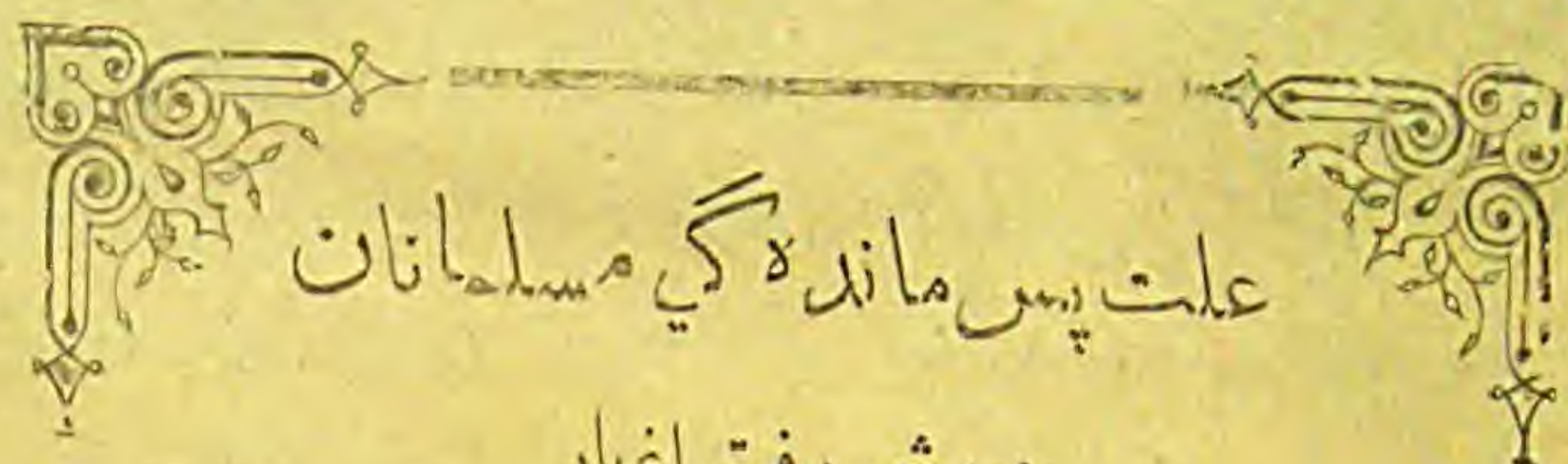
چین

مسکو ۲۵ می قرار اطلاع شما نگاهی
شورای نظامی حکومت نانکین امری برای
ار دوی ۱۹ نانکین صادر نمودم تاقی لفور
بطرف ایالت فونسو زیان برای اشتراك در
هیت تادیبی بر خلاف ولایات شور ریه
رهسبار گردد . و پس قونسل انگلیس در
نزدیکی نانکین از طرف عسا کر نانکین
مجروح گردیده است . در زمانی که قونسل
مذکور در دلا یا تیکه از طرف سرخها
اشغال شده بود سیاحت میکرد .



مؤلف : امیرالبیان شکیب ارسلان

مترجم : محمد ابراهیم



و پیش رفت اغیار

- ۴ -

و اگر ابعاد های انسانی محض به دعا و ذکر بدون عمل و اثر حاصل میگردد البته اصول دنیا برهم می خورد و قانون شریعت باطل می گشت . آیا خداوند تعالی نه می فرماید که : (وان لبس للانسان الا ما سی) و (وقل اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله) و آیا یکسانیکه از محاربه عذر می خواهند نگفته است (لا تعذر و قد نبانا الله من اخبارکم و سیری الله عملکم ورسوله) و نگفته است که : (انی لاضع عمل عامل منکم) ؟

اگر مسلمانان کمان می کنند به محض نماز و روزه و چیز های که ایشانرا به ریختن خون و بذل مال مکلف نمی سازد ، مسلمانند ، و محض به همین قدر منتظر نصرت الهی می باشند . ولی حقیقت این چنین نیست . اگر کان اسلام منحصر به نماز و روزه نبوده ، و نه محدود بدعا و استغفار است .

خداوند چگونه دعای کسانی را قبول می کند در حالیکه می توانند حرکت

نمایند و بذل کنند ، می نشینند و میراث می گیرند - (۱)

اعتذار مسلمانان از خود و رد آن

می گویند ، مسلمانان مانند فرنگی ها مالک ثروت و قنطار نیستند

(۱) ظاهراً امیرالبیان که رکات

را با نماز و روزه ذکر نموده . باین علت

است که میداند اکثر مسلمان ها آنرا

ترك نموده اند . حالانکه رکات رکن

دنیوی و دینی اسلام و نماز رکن روحی

آنست . و مسلمانان دنیا را می طلبند و از

اهم ارکان اسلام (یعنی رکات و جهاد

بالمال و النفس در راه خداوند) صرف

نظر می کنند . حالانکه خداوند جل و علی

مسلمان های صادق را به جهاد مالی

و نفس وصف نموده و در عین زمان مال

را اولتر ذکر نموده است . و در سباق

ایات قتال (و افقوا فی سبیل الله

ولا تلحقوا بیکم لی التهاک) یعنی به

عدم اتفاق و صحابه (رض) با شخصیکه

رکات نمی دادند قتال نموده اسلام شانرا

باور نمی کردند .

تا بتوانند در اعمال خیر چیزی صرف کنند و به همدگر امداد نمایند . درین حال نیز برای کسی که بدون دلیل باین مسئله قناعت حاصل نکند می گویم : برین هم راضی هستیم که . چنانچه در ذکر جهاد بالمال تصریح نمودیم به نسبت رأس مال خود صرف کنند آیا همین را هم می کنند ؟

گذشته از آنکه از اموال مخصوصه خود بذلی ندموده اروپائی در هیچ میدان از روی بذل و ایثار در راه فوئد عمومی بهر ابرائی می شنوند ، آثار اوقاف و مؤسسات خیریه را که پدران شان رضع نموده بود نیز برهم زدند . پس چطور مسلمانان می خواهند در قوه و قنطار و حاکمیت مانند اروپائی ها باشند ، در حالیکه به بشارت ربانی حرات ایشان کمتراند ؟ حالانکه کار جهاد حاکمیت بر زمین مانند کاشتن در زمین است ، هر قدر که رنج بدین تر کشیده شود ، بیش تر ثمر می توان گرفت . و بهر اندازه که در عمل کوتاهی بوقوع آید ، بهمان اندازه کمتر ثمر حاصل می گردد .

مگر مسلمان ها مانند اروپائی ها طالب حاکمیت اند اما بدون ایثار و صرف مال و از دست دادن یکی از لذائذ و فراموش نموده اند که خداوند جز و علی میفرماید (و لتبلو نکم بشی من الحروف والجوع و نقص من الاموال و لا نفس و الثمرات و بشر الصابین) .

بعضاً می گویند : بذل و قربانی را

از موده، به نقص مال و جان و فواید خود صبر نمودیم لاکن هیچ فائده بران مترتب نگردید و اربانی ها هم چنان بر ما مسلطند. این سخن را از بعض اشخاص که از ایشان شنیده ام ذکر می کنم.

جواب شان اینست که، آیا می توانند بگویند، چیزی را که بذل و قربانی می نامند با بذل و قربانی که یهود و نصاری می کنند، مشابه و یا اگر بان نسبت دهیم نسبت یکک به صد است؟

درین موضوع مثال جدیدی داریم که عبارت از مسئله فلسطین است. در بین اعراب و یهودی ها در فلسطین حوادث خونینی به وقوع پیوسته افراد هر دو فریق زمین حوادث متضرر گشته اند یهودی ها در تمام اطراف دنیا به متضررین یهودی فلسطین مدد نمودند، و چنانچه طبعی است عالم اسلام نیز امداد مسلمانان را اقام نمودند. اعانات مردم یهود با اولاد ملت خود شان بیک میلیون جینه، و اعانات مسلمانان جملاً به ۱۳ هزار جینه یعنی خیلی کمتر از صد هزار بالغ گردید.

پس شاید بگویند مسلمانان ها مانند یهودی ها ثروت مند نیستند. جواب میگوئیم که کفایت می کنند اگر به امداد ملت خود برابر به یهود و فرنگی ها از روی رأس المال صرف نمایند. و از فقرای شان که بیش تر از کفایت عائله خود ملکیت ندارند چیزی نه می خواهیم زیرا خداوند تعالی می فرماید: (لیس علی الضمناً ولا علی المرضى ولا علی الذین

لا یجدون ما ینفقون حرم او لا نصحه الله ورسوله ما علی الحسنین من سبیل) باز میفرماید (انما السبیل علی الذین یستأدمونک و هم اغنیاء انصوابان یکونو مع الخوائف) و نیز جواب میدهم که اگر یهودی ها از نقطه نظر مال از مسلمانان غنی ترند، مگر مسلمانان از روی تعداد خیلی زیادند چه یهود عبارت از ۲۰ میلیون نفر اند و مسلمین سه صد و پنجاه میلیون نفوس دارند اگر هر یکی از مسلمان ها به فلسطین یک غرش میداد و این چیز است که برای هیچ کس اگر چه به فقر شدیدی گرفتار باشد در عالم مشکل نیست سه و نیم میلیون جینه در ثران جمع می شد.

بیاید از نه عشر مسلمین صرف نظر نموده و اعانه فلسطین را از روی یک عشران بشماریم یعنی ایشانرا ۳۵ میلیون نفر معرفی نمائیم و این ۳۵ میلیون نفر را در اطراف فلسطین در یک لحظه می باید چونکه عدد مسلمان سوریه مصر فلسطین عراق و نجد و حجاز و یمن و عمان به ۳۵ میلیون بالغ می گردد و ازین نفوس یک غرش فی نفر بگیریم پس چقدر جمع خواهد شد معلوم است که سه صد پنجاه هزار جینه می شود پس گویا مسلمانان تماماً ۱۳ هزار جینه یعنی عشر عدد تمام شان و ثلث عشر یک غرش فی نفر پر داخته اند. آیا همین است چیزی که آنرا (قربانی) می نامید؟

و آیا در راه خداوند به همین اندازه به نفس و مال جهاد می کنید؟ و آیا مقدار مدد کاری شما با برادران دینی و همسایه های وطن و مدافین مسجد

اقصائی که سوم حرمین و اول قبلتین می باشد، همین است؟ آیا خداوند تعالی نه می فرماید که (انها لمومنون اخوة) آیا امدادی که برادر به برادر دیگر خود میکند عبارت از همین می باشد؟

می گویند ملت انگلیس از چه رو در دنیا باین سیادت رسیده است؟

جواب میگوئیم: باخلاق و افکار خود اقام شده اند. روزی شخصی به من از یک کافر صاحب منصب انگلیسی در شرق حکایت نمود که به خدمت کار خود امر می نمود ضروریات لازمه خانه او را از دوکان یک کافر انگلیسی که در شهر مذکور اقامت داشت خریداری نماید یک مرتبه خادم او جدول حساب را نزدش آورده در مدت یکماه ۲۰ جینه منفعت باو نشان داد انگلیس از او پرسید که سبب این منفعت چیست؟

خادمش گفت: از دوکان انگلیسی که از مال می خریدیم صرف نظر نموده از دوکان یکی از اهالی عرب خریداری نمودم و در نتیجه این منفعت حاصل گردید.

انگلیس گفت: پس از بن بدوکان اینکلیسی که از آن خریداری می نمودیم رجوع کن.

خادم گفت: - که درین صورت ۲۰ جینه زیاد تر صرف می شود.

انگلیس به جواب او بیان نمود: که اگر چه ۲۰ جینه بیش تر به صرف می شود از همان انگلیس خریداری کن. (باقی دارد)

مؤلف : له بلاتيه فرانسوی (۴۱) مترجم : حبیب الله طرزی

مادام سان ژین

(از فصل بیست دوم)

(طلاق :)

کماک میکنم

ژوزفین به تنها برخود دلائل او بلکه برای اینکه بیاد کردن وقایع حیات سابقه بر ناپلیون اثری بیندازد چند لفظی لند لند کنان صرف نمود ولی ناپلیون باوضع بسیار خشن و ظالمانه خودش او را خاموش ساخته گفت .

« من ترا اخطار میکنم که تمام کوشش های تو برای منصرف ساختن من ازین اراده مصمم بی فائده خواهد بود اراده من قطعی است . من ترا آنچه ای که سابق دوست میداشتم هنوز هم دوست دارم ولی برای مفاد سلطنت ما را ازهم جدا میکند سیاست بر سر است نه بدل »

شنیدن این الفاظ برجسته و قطعی ناپلیون ژوزفین بمرض (هستیری) گرفتار شده در حالت غشی بزمین افتاد . ناپلیون دروازه اطاق را بشدت باز کرده یکی از صاحبان قصر را بکماک او خواست برسیدن حاجب علیا حضرت برفرش خانه را ستان افتاده صحنه های جانگدازی کشیده با الفاظ غیر مفهوم توحه مینمود .

ناپلیون « بوسی ، آیامیتوانی علیا حضرت را برداشته باطاق خودش پیری؟ بیامن هم بانو

ناپلیون اینرا گفته و به برداشتن ژوزفین معاونت نمود . برسید به زینه که به پایا رتبان ملکه امتداد مییافت (موسیو بوسی) جسد بیجان ژوزفین را تماماً بردوش خودش داشته و امپراتور یایک شمع روشن رهنمائی میکرد بوسی در زیر بار سنگین ملکه خم گردیده یکی از معاونین خودش را بکماک خواست . امپراتور شمع را بدست شخص نمودار داده پاهای ملکه را گرفته از پله ها بعقب پایان شدن شروع نمود ، نظربه اظهار این دونفر حاجب که در بنموقع حضور داشتند ناپلیون باندازه مغموم و متاثر بود که هیچگاه نظیر آن دیده نشده بود .

بعد ازین واقعه بدو هفته دیگر طلاق نامه امضا و وقت شام در يك محفل فمیلی که در قصر (تویلری) تهیه دیده شده بود قرائت گردید .

ناپلیون با ژوزفین دست بدست شده نطقی که از طرف (کامیا سییر) ترتیب شده بود خواند . درین نطق از فیصله که با اتفاق زوجه عزیزه اش بمشوره او اختیار می نمود ، بیان نموده محرك محض ، این عمل را نا امیدی کامله خودشان از وجود او لاد اظهار نمود .

طلاق نامه دارائی الفاظ ذیل بود تنها خداوند میداند که اقدام باینفصله بمن چقدر سخت میگذرد و تا چه اندازه قلبم را پر خون میگذارد ! چون برای مفاد سلطنت بهر گونه قربانیها که ازان بزرگ تر نباشد حاضرم ، از فرو بردن این زهر مهلك فراق ملکه ان ادعای خودم را ثابت میکنم . این را هم فرض خود میدانم که اظهار نمایم هیچیک شکایتی از دیگر رهگذر ها ندارم : بلکه از محبت و علاقه روجه که زوجه عزیزه ام نسبت بمن داشته است تعریف می کنم در پانزده سال حیات زناشوهری مرا بنهایت مسعود داشته است یاد کار صحبت های او همیشه بر قلب من محكوك خواهد ماند باید ژوزفین در جواب او چیزی میگفت ولی در حینکه میخواست جوابیه خودش را قرائت کند گلوئی او گرفته شده نتوانست چیزی بگوید . کاغذ را بیکی از درباریان داده رجاء نمود که از طرف او بخواند .

« چون خداوند مرا از وجود اولاد محروم گذاشته است باین طلاق بصورت تسلیم رضا داده ام ؛ ولی الغای ازدواج بر احساسات من اثری انداخته نمیتواند امپراتور همیشه در شخص من يك دوست بسیار صدیق خواهد یافت ، این اقدام را که امپراتور بمفاد سلطنت نموده

است تنها من میدانم که تا کدام اندازه او را متالم میدارد ولی هر دوی ما ازین قربانی که در راه مفاد مملکت کرده ایم بنهایت درجه مغرور و مفتخریم .
باین سطور که از طرف (کامباسیر) یا (ماریت) ترکیب یافته بود دو سه سطری دیگری ژوزفین بقام خود ایزاد کرده بود که با وجود سادگی اثری زیادی را دارا بود ، « من بسیار ممنون شما کرم که اثبات بزرگترین محبت و صمیمیت که درین دنیا هیچگاه داده نخواهد شد امشب بخدمت های امپراطور می گذارم .
وضعیت قابل ترحم ژوزفین در اثنای این کشمکش قصورهای حیات سابقه اش را می پوشانید . نژاد آتیه باین شهیدی که قربانی هواپوس نابلیون گردیده است متأثر خواهند بود .

روز دیگر بعد ازین محفل (مجلس سنا) انعقاد یافت تا این طلاق را تصویب کنند در اثنای مذاکره بر تفصیلات بی مزه تری مباحثه شد .

قرار گذاشته شد که ژوزفین لقب امپراطریسی را داشته باشد و علاوه بر آن يك مداخل دو ملیون فرانك سالانه از طرف دولت با و پرداخته شود نکته کبری های زیادی را جمع به عدم صحت این طلاق بنهادر پیوست ولی اعتراضات يك دسته قانون دان در مقابل اراده آهین

امپراطور چه کرده می توانست .
بعد از تصویب طلاق از طرف (سنا) بساعت چهار عصر درشکه باید ژوزفین را از توپلاری به (مل منیرن) میبرد در سرای قصر داخل شد آسمان غبار آلود و بنهایت گرفته بود . جاذبه های که بران ژوزفین بطرف منزل جدید خودش رهسپار بود در میان يك غبار كثیف و لغزناکی پیچیده و بدل پر از غم مسافر شباهت تامی بهم می رسانید چه قدر زیاد برین راه بکمال فرحت و انبساط شوکت و دبده ، تردد نموده و امروز بکدام يك حالت یاس و ناامیدی ارن عبور می نمود بیشتر از آنکه ژوزفین روانه شود نابلیون از توپلاری به (تریانو) نقل مکان نموده بود دو روز بعد ارن بدیدن ژوزفین رفت . با يك آنچه بسیار نرم و خایقانه او را مخاطب ساخته گفت از اندازه که خیال میکردم ترا ضعیف تر یا فقم ، درینهمایه حوصله و طاقت زیادی نشان دادی و حال برای محافظه صحت لازم است زیاده تر حوصله کنی . بر خودت احتیاط زیادی داشته باش و باندازه کافی بخواب بیاد دار که خوشی و صحت تو مرا همیشه ممنون خواهد داشت .

این جمله را گفته و با يك بوسه راجعت او را وداع نموده برگشت بمدار انقضای چند روز يك دعوت وداعیه بسیار محتشمی که زیاده تر به يك دعوت ماتم شباهت داشت بروز عید میلاد

و (گرانتمس) در تریانو داده شد تفصیلات این صحنه آخرین زن و شوهر هیچگاه معلوم نشده است ؛ ولی دشوار نیست که احساسات زن و شوهری که هنوز هم يكدیگر خود را دوست میداشتند در وقت وداع ابدی فهمیده نشود . با وجود قصور ژوزفین و فرو گذاشت های نابلیون در امانت زنا شوهری بار هم حیات بدیتی شان خوش می گذشت اگرچه امپراطور از قدام این کار افسوس و فدا مت ظاهر نمیشاخت ولی در حقیقت خیلی متأثر و مغموم بنظر می آمد . در روزهای تنهایی مدتهش جزیره (سنت هلین) حیات مسعودی را که با ژوزفین بسر برده بود با زندگانی تلخ و پر تکلیف بعد از ازدواج (ماریانو) مقایسه کرده ندانست ریادی کشیده خواهد بود ؟

هر صورت نابلیون در تمام دوران حیات طوفانی خردش از طرف يك قوه غیر قابل مقاومت و پراسراری متأثر می بود . مثل مسافری که از يك سران شبی مدحشی بدویدن آغاز کند و نتواند ثقلت خودش را تحمل کرده خودش را از اتقادن حفظ کند او هم مقاومت قوه مدحش دغ خودش را نتوانسته در حیات سرا زیر روان بود تا آنکه در کودال عمیقی افتاده تمام اعضای او در هم شکست .
(با قید دارد)